

مسئولیت حکومت در جلوگیری از حرام اجتماعی؛ ادله فقهی و راهکارها*

□ محسن محمدی**

□ زهره نیکفرجام***

□ طیبه عارف‌نیا****

چکیده

نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک حکومت اسلامی افزون بر تأمین امنیت و رفاه مردم، موظف به اجرای احکام و قوانین الهی نیز، می‌باشد. بخشی از این وظایف، در رابطه با جلوگیری از محرماتی است که آشکارا و در انظار عمومی انجام می‌گیرد. در عین حال، همچنان برخی در لزوم ممانعت از وقوع محرمات اجتماعی توسط حکومت، تردید دارند که این مسأله موجب طرح این سؤال می‌شود که آیا در فقه اسلامی، ادله‌ای که این وظایف را برای حکومت اثبات می‌کند، وجود دارد؟ بر فرض وجود چنین ادله‌ای، حکومت چگونه می‌تواند این کار را انجام دهد؟ یافته‌های این پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی نگاشته شده، حاکی از این است که با توجه به فلسفه تشکیل حکومت دینی و ادله فقهی «وجوب حفظ دین»، «وجوب نهی از منکر» و «حرمت اختلال نظام»، حکومت موظف است تا از وقوع حرام در سطح جامعه جلوگیری و ممانعت به عمل آورد. برای تحقق این هدف هم،

* تاریخ وصول: ۱۴۰۳/۶/۱۰؛ تاریخ تصویب: ۱۴۰۳/۱۱/۲۳.

** دانشجوی دکتری گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
mohamadi27977@gmail.com

*** استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
zohrehnik@gmail.com (نویسنده مسئول)

**** استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
tarefnia@gmail.com

شرع مقدس راهکارهایی ایجابی و سلبی مانند تعمیق اعتقادات، تربیت دینی مردم، جرم‌انگاری و اجرای حدود و تعزیرات پیش‌بینی کرده که در قسمت دوم این پژوهش به آن پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: حکومت دینی، حرام اجتماعی، اخلاق نظام، نهی از منکر، تربیت دینی.

مقدمه

حکومت‌ها را در یک تقسیم‌بندی کلی، می‌توان به دو نوع دینی و غیر دینی تقسیم کرد؛ تفاوت اصلی این دو حکومت نیز، در اهداف آن‌ها می‌باشد. هدف اصلی در اکثر حکومت‌های غیردینی، رسیدن به قدرت و منافع مادی است؛ لیکن از دیدگاه متفکران اسلامی، حکومت افزون بر تأمین امنیت و رفاه مردم، وظیفه تربیت و هدایت مردم به سمت خیر و سعادت را نیز، برعهده دارد؛ بنابراین، وظایف حکومت دینی، محدود به حیات مادی نمی‌شود و تأمین سعادت اخروی انسان نیز، از وظایف حکومت است. در این میان، یکی از موضوعات مهم و بحث برانگیز پیرامون دین و حکومت بررسی این مسأله است که آیا اساساً در مسأله ممانعت از وقوع محرمات در جامعه و در حوزه عمومی، مسئولیتی متوجه حکومت است؟ و آیا حکومت‌ها می‌توانند برای اینکه شرایط بهتر دین‌داری در جامعه فراهم شود، با محرمات اجتماعی برخورد نمایند؟ امروزه از سوی یک الگوی انحرافی، شبهاتی از این قبیل مطرح می‌شود که هیچ دلیل روایی و قرآنی، درباره مسئولیت حکومت، در ممانعت و جلوگیری از محرمات وجود ندارد. صاحبان این تفکر، معتقدند چون مسأله دین و احکام آن مربوط به سلاقی فردی انسانها است؛ ولذا حکومت، حق دخالت در این امور را ندارد. در مقابل، بسیاری از اندیشمندان و علماء مسلمان از جمله مرحوم امام خمینی (ره)، امام خامنه ای و ... قائل به عدم انفکاک دین و سیاست بوده و معتقدند بدون دخالت حکومت، بسیاری از احکام الهی به خصوص احکام اجتماعی یا تعطیل می‌شوند یا به نحو کامل اجرا نخواهد شد. عدم مسئولیت حکومت در مورد نشر گناهان، ناشی از تفکری است که در اصل به آخرت اعتقاد ندارد؛ زیرا از آنجایی که انسان ناخودآگاه تحت تأثیر اجتماع خویش است، اگر جامعه از نظر اخلاقی و اعتقادی سالم نباشد، طبعاً افراد هم تحت تأثیر قرار می‌گیرند؛ و لذا همان‌گونه که حکومت وظیفه دارد شرایط جامعه را به نحوی رقم بزند که آلودگی مادی، زندگی را بر مردم سخت نکند، همین طور وظیفه دارد

شرایط معنوی و اخلاقی را به نحوی فراهم کند که رشد و تعالی انسانی آنها نیز، با مشکل مواجه نشود. واقعیت این است که برای رسیدن به این اهداف و وظایفی که دین اسلام بر عهده حکومت گذاشته، چاره ای جز دخالت حکومت وجود ندارد. رهبر معظم انقلاب اسلامی معتقدند، حرام شرعی نباید آشکارا انجام شود؛ چراکه شارع حکومت را مکلف کرده تا از حرام علنی ممانعت کند (بیانات رهبری، ۱۳۹۶/۱۲/۱۷). همچنین می‌فرمایند: «کاری که در انتظار عمومی انجام می‌گیرد، یک کار عمومی و اجتماعی است و این برای حکومت تکلیف ایجاد می‌کند» (بیانات رهبری، ۱۳۹۶/۱۲/۱۷). با توجه به هزینه‌ها و آسیب‌های فراوانی که در این مسأله برای حکوم و جامعه دینی صرف می‌شود، اعم از آسیب‌های اعتقادی، مانند انقطاع از دین و آسیب‌های اجتماعی، از قبیل انحرافات اخلاقی و فروریختن ارزش‌های جامعه، این مسأله به چالشی مهم در زمان حاضر تبدیل شده است؛ ولذا مسأله پژوهش حاضر این است که ادله فقهی مسئولیت حکومت در جلوگیری از حرام اجتماعی، چیست و چه راهکارهایی در شرع مقدس برای آن پیش بینی شده است.

پیشینه

تألیفات فراوانی در قالب کتاب و مقالات مختلف، وظایف و مسئولیت‌های حکومت دینی را مورد بررسی قرار داده اند که به برخی از آنها از باب نمونه اشاره شود:

شیخ مفید (۱۴۱۴ق) در کتاب «النکت الاعتقادیه» و علی بن محمد جرجانی در جلد هشتم کتاب «شرح المواقف» درباره وظایف امام در جامعه اسلامی، مطالبی ذکر کرده اند. امینی سده (۱۴۰۳) در کتاب «وظایف حکومت در ایجاد امنیت از منظر قرآن و سنت»، تلاش کرده تا وظایف حکومت در حفظ ارزش‌های اخلاقی و تأمین امنیت اجتماعی را، مورد واکاوی قرار دهد. علاوه بر این، «حکومت دینی و تربیت»، عنوان کتابی است که محمود پروانه (۱۴۰۱) در آن از رسالت تربیتی حکومت، سخن گفته است. در این کتاب، نویسنده نتیجه گرفته که تربیت مردم از وظایف حکومت دینی است.

احمدعلی نیازی (۱۳۸۹) در مقاله «اهداف و وظایف حکومت دینی» تربیت و هدایت مردم به سمت سعادت و زمینه‌سازی در جامعه را برای به دست آوردن فضائل اخلاقی و

معنویات، از مهمترین وظایف حکومت دینی قلمداد نموده است.

رضا امینی (۱۳۹۹) در رساله دکتری خود به نام «وظایف حکومت اسلامی در تربیت اخلاقی جامعه از منظر فقه اسلامی»، در صدد اثبات این مطلب است که حکومت در راستای تربیت اخلاقی جامعه، وظایفی برعهده دارد و در ادامه مسأله قانونگذاری، برنامه ریزی و نظارت را یادآور می‌شود. همچنین درصدد اثبات ضمان حکومت، در صورت کوتاهی در اجرای وظایف خود هم برآمده است.

اما جنبه نوآوری این پژوهش علاوه بر بیان مبانی فقهی مسئولیت، ارائه راهکارهایی است که شرع مقدس برای جلوگیری از حرام در جامعه، برای حاکمان پیش بینی کرده است.

۱. مفهوم شناسی

حکومت دینی

الف) معنای لغوی: واژه «حکومت» از ماده «ح ک م» مشتق شده که در لغت به معنای قضاوت و داوری، به کار رفته است: «الْحُكْمُ، بِالضَّمِّ: الْقَضَاءُ» (زبیدی، ۱۴۱۴: ۱۶۰). در برخی از کتب لغت نیز، واژه «حکم» به معنی نهی و بازداشتن از ظلم و ستم، آمده است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۹۱). واژه «دین» نیز، در لغت به معنای اطاعت و جزاء به کار رفته است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۳/۱۶۹).

ب) معنای اصطلاحی: حکومت، به معنای ریاست مورد پذیرش مردم و ارشاد کننده ای است که با منع ظالم از ظلم و متخلف از تخلف، موجب دور ساختن زندگی مردم، از تباهی و فساد می‌شود (موسویان، ۱۳۸۲: ۱۵۹). واژه «دین» نیز، در اصطلاح به مجموعه ای از عقاید، اخلاقیات، احکام و قوانین فردی و اجتماعی اطلاق می‌شود (مصباح، ۱۳۶۱: ۱۳). با توجه به این تعاریف، «حکومت دینی» حکومت قانون الهی بر مردم است (عباسی، ۱۳۹۴: ۴۶).

حرام اجتماعی

الف) معنای لغوی: واژه «حرام» در لغت، به معنای ممنوع بودن چیزی به کار رفته است (طریحی، بی تا: ۳۳/۶). به طور کلی، ماده «حَرَمَ» و مشتقات آن همگی در لغت به معنای منع می‌باشد.

(ب) معنای اصطلاحی: در اصطلاح فقهی، به فعلی که شرعاً سبب ذم و نکوهش گردد و یا امری که فعل آن موجب عقاب گردد، حرام می‌گویند (حلی، ۱۴۰۸: ۴/۱۵). اما منظور از حرام اجتماعی در این پژوهش، آن دسته از افعال حرامی است که آشکارا و در انظار عمومی صورت می‌گیرد؛ افعالی که با انتظارات مشترک مسلمانان سازگاری نداشته و جامعه دینداران، آن فعل یا رفتار را خلاف قوانین الهی بدانند مانند کم فروشی، تظاهر به بی حجابی و اختلاط زنان و مردان.

۲. ضرورت حکومت دینی

برای اثبات ضرورت حکومت دینی علاوه بر ادله نقلی، (ر.ک به امام خمینی، ۱۳۸۱، ولایت فقیه، ۲۱/۱) ادله عقلی بسیاری نیز، توسط متفکران اسلامی ذکر شده است. بدون وجود حکومت، عمل به دستورات الهی یا غیرممکن بوده یا بسیار مشکل و طاقت فرساست. ضمن اینکه بسیاری از احکام اسلام، احکام اجتماعی اند. احکامی مانند حدود، دیات، زکات و جهاد از جمله احکامی هستند که منوط به شئون سیاسی و اجتماعی هستند. آیا بدون حکومت دینی، می‌توان این احکام را در سطح جامعه اجرا نمود؟ روشن است که شارع به فوت شدن مصالح و از بین رفتن احکام راضی نیست؛ بنابراین تا حکومتی دینی تشکیل نشود، بسیاری از احکام به خصوص احکام اجتماعی قابلیت اجرا را ندارند.

۳. نسبت احکام فردی و اجتماعی با حکومت

در حوزه احکام فردی که ناظر به روابط فرد با خالق است با کمی تسامح می‌توان پذیرفت که حکومت حق دخالت نداشته باشد، اگرچه در برخی موارد مانند اثبات ترک نماز در دادگاه، حاکم مخیر است شخص را مجازات کند (کعبی، ۱۳۸۳: ۱۰۴). ولی بدون شک اگر فعلی مفسده اجتماعی داشته باشد؛ اعم از اینکه ناظر به حوزه شخصی یا اجتماعی باشد، انجام فعل هم گناه است و هم جرم (شیری زنجانی، ۱۴۱۹: ۶/۱۹۱۳). اما مسأله اصلی این است که در صورت تراحم و اختلاف در بخش فردی و اجتماعی، اولویت حکومت چه باید باشد؟ با توجه به اینکه در جامعه، مصالح و آثار اجتماعی، مهمتر از مصالح و آثار فردی هستند، در مقام تراحم بین این دو، مصلحت اجتماعی، بر مصلحت فردی اولویت دارد. امام خمینی (ره) در این خصوص می‌فرماید: «کسی که بر مسلمین و جامعه بشری حکومت دارد همیشه باید جهات

عمومی و منافع عامه را در نظر بگیرد و از جهات خصوصی و عواطف شخصی چشم پوشد».

۴. دلایل مخالفان مسئولیت حکومت

پیش فرض این پژوهش، وجوب ممانعت از حرام اجتماعی توسط حکومت است؛ اگرچه این فرضیه، مخالفانی هم دارد. مخالفان عدم وجوب این مسئولیت برای حکومت، ادله ای از قبیل اختیاری بودن هدایت، آیه «لا اکراه فی الدین»، عدم ثبوت اجبار در سیره معصومین و عدم مجازات برای بسیاری از گناهان را، ذکر کرده اند که به جهت رعایت اختصار در این قسمت، فقط به دو نمونه از دلایل مخالفان که کمتر به آن پرداخته شده، اشاره می گردد.

۴-۱. عدم ثبوت اجبار در سیره معصومین

برخی از مخالفان بر این عقیده اند که در زمان حکومت پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) که حاکم جامعه بودند و به نوعی بسط ید داشتند، نشانه ای از اجبار به مردم وجود ندارد و عدم اهتمام معصوم، نسبت به اجبار مردم، بیانگر عدم مشروعیت اجبار نسبت به مردم است. به عقیده نگارنده، این عقیده از جهاتی مخدوش است؛ از جمله اینکه مهیا بودن شرایط اجبار مردم نسبت به شرع، حتی در زمانی که معصومین حاکم بودند، قطعی نیست. آیه ۶۷ سوره مائده، شاهد بر مدّعی مذکور این است که حتی پیامبر (ص) گاهی برای اعلام برخی امور، در محذوریت بوده اند. یا در مورد حکم حرمت شرب خمر و وجوب حجاب، چنین می توان گفت که در زمان ایشان چه بسا اجبار مردم به این موارد فراهم نبوده و پیامبر خدا عملی کردن آن احکام را، به جانشینان خود واگذار کرده بودند. فقهای چون شیخ انصاری نیز، با پذیرش این احتمال معتقدند که گاهی آشکار نمودن مقیّدها و مخصّص ها، بنابر مصلحت بر عهد جانشینان پیامبر، نهاده شده است (انصاری، ۱۴۱۹: ۴/۹۶ و ۹۵)

۴-۲. عدم مجازات برای اکثر محرمات اجتماعی

برخی از مخالفان معتقدند چون در زمان معصومین (ع)، برای محرمات اجتماعی مثل غیبت و بی حجابی، چیزی به نام مجازات وجود نداشته، در نتیجه وجود چنین مشروعیتی برای حکومت دینی نیز، جای تأمل است. گاهی این استدلال در میان عامه مردم نیز، به عنوان شبهه

بیان می‌شود. در پاسخ به این شبهه باید چنین گفت که اولاً روایاتی وجود دارد که بیانگر اجرای مجازات در انظار عمومی توسط شخص پیامبر (ص) و امام علی (ع) است (صدوق، ۱۴۱۳: ۲۸/۴). ثانیاً اغلب فقهای امامیه، قائل به مجازات برای هر فعل حرامی هستند (طوسی، ۱۳۸۷: ۸/۶۹). ثالثاً روایات و فتوای فقها، بر مجازات محرماتی که جنبه عمومی پیدا می‌کنند، دلالت دارد (مروارید، ۱۴۱۰: ۲۳/۱۰۷).

۵. مؤلفه‌های فقهی مسئولیت حکومت در جلوگیری از حرام اجتماعی (مبانی مسئولیت)

۱. وجوب حفظ دین

اولین دلیل بر اثبات مسئولیت حکومت در جلوگیری و پیشگیری از وقوع محرمات در جامعه، «وجوب حفظ دین» است. فقهای اهل سنت و شیعه، حفظ دین را یکی از مقاصد شریعت می‌دانند (عاملی، بی تا: ۳۸/۱؛ شاطبی، ۱۴۱۷: ۲/۲۰). که سعادت انسان در دنیا و آخرت بستگی به حفظ آن و احکامش دارد.

۱-۱. مستندات وجوب حفظ دین

مستندات این اصل را در سه بخش بررسی می‌شود:

- قرآن کریم

برخی از آیات قرآن کریم، بر وجوب حفظ دین دلالت دارند که با الغای خصوصیت می‌توان آنها را دلیل مسئولیت حاکم و حکومت در وجوب حفظ دین دانست. در راستای اثبات این مدعا، به سه آیه استشهد می‌گردد:

الف) «وَإِنْ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم مِّيثَاقٌ...» (انفال: ۷) و اگر در (حفظ) دین از شما یاری طلبند بر شماست که آنها را یاری کنید، جز بر ضدّ گروهی که میان شما و آنها، پیمان ترک مخاصمه است».

این آیه، به اهمیت حفظ دین و ایمان افراد اشاره دارد. به طوری که برای حفظ دین، خداوند فرمان یاری کردن افرادی که طلب یاری دارند را، صادر می‌کند. در همین آیه، دستور هجرت نیز، برای حفظ دین صادر شده است. خداوند در پاسخ کسانی که محیط ناسالم را عذر گناه و

نافرمانی از دستورات خداوند می‌دانستند و چنین می‌گفتند: «كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ» می‌فرماید چرا برای (حفظ دین) خود به مکان دیگری هجرت نکردید، در حالی که زمین خداوند پهناور بود.

ب) «فَلَا تُطْعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (فرقان/۵۲). از نظر قرآن، هر کاری که برای حفظ دین صورت پذیرد، نوعی جهاد است؛ به همین علت، صاحب مجمع البیان ذیل این آیه شریفه، بزرگترین و کاملترین جهاد را ایستادگی علما در برابر شبهات فرقه‌های باطل و حراست از دین معرفی می‌نماید (طبرسی، ۱۴۱۵: ۷/۳۰۳).

- روایات

در خصوص وجوب حفظ دین، روایات متعددی در جوامع حدیثی شیعه و اهل سنت گزارش شده است که به اقتضای اختصار، به چند نمونه اشاره می‌گردد:

الف) پیامبر اسلام به امام علی (ع) می‌فرمایند: «بذلك مالك و دمك دون دينك؛ این که جان و مال خود را فدای دینت کنی» (فیض کاشانی، ۱۳۸۳: ۸۲۹). علامه مجلسی، در تفسیر حدیث چنین می‌نویسد: «دون دینک ای عند حفظ دینک؛ یعنی از جان و مال خودت برای حفظ دینت بگذر» (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۲۵: ۱۸۰).

ب) ترمذی در السنن چنین آورده که عبدالله بن عباس، روزی پشت سر رسول الله سوار بر اسب نشسته بود. حضرت به او فرمود: «يَا عَلَامُ إِنِّي أَعْلَمُكَ كَلِمَاتٍ، أَحْفَظِ اللَّهَ يَحْفَظْكَ، أَحْفَظِ اللَّهَ تَجِدْهُ تُجَاهِكَ؛ هر کس شریعت و دین خدا را حفظ کند، خداوند نیز، او را حفظ خواهد کرد» (ترمذی، ۱۳۹۵: ۴/۶۶۷).

- اجماع

در خصوص وجوب حفظ دین می‌توان ادعای اجماع کرد؛ چنانکه برخی از فقها بر فداکردن جان خود به خاطر حفظ دین ادعای اجماع دارند (سبزواری، بی تا، ج ۱۵: ۲۴۳). ماوردی نیز که در مباحث سیاسی صاحب نظر است، معتقد است نخستین وظیفه خلیفه، حفظ و حراست از دین است (روحی و بهروزی لک، ۱۳۹۷: ۱۰۵).

تطبیق دلیل بر مسئولیت حکومت در جلوگیری از حرام

حکومتی دینی است که در جهت حفظ دین در جامعه گام بردارد و درصدد پیاده سازی مجموعه دین باشد. در جامعه دینی، هدف سیاست و حکومت، چیزی جز حفظ دین نیست. اهمیت حفظ دین به حدی است که احکام دیگر در مقام تراحم، توانایی مقابله با وجوب آن را ندارند (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۲۰۰). علمای شیعه حفظ دین را، شامل اقامه عبادات، قتل کافر و مرتد و اجرای حدود و تعزیر درباره کسانی که این امور را سبک و خفیف بشمارند، می دانند (مجلسی، بی تا: ۱۰). از این سخن، استفاده می شود که حفظ دین واجب است و در صورت ایجاد گسست و انحراف در آن باید اقدامی جدی صورت پذیرد. برخی از اهل سنت نیز، حفظ دین را منوط به ابقاء حقایق آن و نشر آن در بین مردم می دانند (شحاته، بی تا: ۶۰). یکی از عوامل انحراف و متزلزل شدن دین، ارتکاب محرمات الهی در سطح جامعه است و نشان دهنده این مهم است که حکومت موظف است به هر صورت ممکن، جلوی وقوع محرمات، به خصوص محرمات اجتماعی را بگیرد تا مانع سست شدن پایه های دین شود. این در حالی است که زبان دین، زبان تکلیف است و مسامحه در این خصوص، جایگاهی ندارد و چنانچه دین در خطر باشد، برای حفظ آن طبق آموزه های نبوی ضرورت دارد برای جلوگیری از وقوع گناهان و محرمات اهتمام شود.

۲. وجوب امر به معروف و نهی از منکر

دومین دلیل بر اثبات مسئولیت حکومت در جلوگیری از وقوع محرمات، وجوب امر به معروف و نهی از منکر است. در اصطلاح، «معروف» هر عملی است که خوبی آن از نظر عقل یا شرع شناخته شده باشد. (طریقی، ۱۴۱۳: ۲۸) و منکر، آن چیزی است که شرع از آن نهی می کند (زحیلی، ۱۴۱۸: ۱۰/۲۹۵). «امر به معروف و نهی از منکر»، به نوعی زیربنای تمام رفتارهای اجتماعی اسلام است که سایر فرایض و واجبات، به کمک آن بر پاشده و پایه های حکومت نیز، با وجود آن محکم و استوار می گردد. اگرچه برخی، انجام این فریضه را منوط به حضور معصوم می دانند (طبرسی، ۱۴۰۳: ۱/۶۵)، اما ادله چهارگانه بر وجوب این وظیفه در زمان غیبت نیز، دلالت دارد.

۲-۱. مستندات وجوب امر به معروف و نهی از منکر

مستندات این اصل در سه بخش بررسی می‌شود:

- قرآن کریم

آیات متعددی در خصوص «امر به معروف و نهی از منکر» وجود دارد که به صراحت به این موضوع اشاره دارد؛ از جمله:

الف) «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران/۱۰۴).

در خصوص این آیه چند نکته حائز اهمیت است:

نکته اول: این آیه به دو جهت دلالت بر وجوب دارد؛ اول اینکه واژه «وَلْتَكُنْ» صیغه امر است و صیغه امر دلالت بر وجوب دارد و جهت دوم اینکه با آمدن «وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» رستگاری منحصر در این عمل شده است.

نکته دوم: دعوت به «امر به معروف و نهی از منکر»، موجب می‌شود حبل الهی که همان قوانین دینی است، در جامعه حفظ گردد. همچنین، اگر این فریضه بر محور دین صورت گیرد، جامعه از انحراف و گسستگی به دور خواهد بود.

نکته سوم: این آیه، ناظر به مرحله فیزیکی و اجرایی این فریضه است که بر عهده حکومت اسلامی می‌باشد نه عموم مردم.

نکته چهارم: باطن آیه، افزون بر ایجاد تکلیف برای عموم مردم، بیانگر تکلیف خاص برای حکومت می‌باشد (اعرافی، ۱۳۹۹ش: ۱۵۹).

ب) «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (حج/۴).

نکاتی در آیه فوق وجود دارد که می‌تواند بر مدعای ما دلالت داشته باشد.

نکته اول: «مَكَّنَّاهُمْ» ناظر به یک قدرت ویژه است که شامل حاکمان و صاحبان قدرت می‌شود.

نکته دوم: «امر به معروف و نهی از منکر» از نشانه‌های حکومت اسلامی است (بسیج،

نکته سوم: برخی از مفسرین با استناد به این آیه، مراتبی از امر و نهی که بر زندان و تعزیر متوقف باشد را، از وظایف حاکم یا نائب او می‌دانند (قرطبی، ۱۴۰۵: ۴/۴۷).

- روایات

روایاتی که از معصومین بر وجوب و اهمّیت «امر به معروف و نهی از منکر» نقل شده، در حد متواتر بوده که فقط به برخی از آنها در اینجا اشاره می‌شود:

الف) حضرت فاطمه (س) در خصوص حکمت انزال احکام می‌فرمایند: «فجعل الله الإيمان تطهيراً لكم من الشرك، والصلاة تنزيهاً لكم عن الكبر... والأمر بالمعروف مصلحة للامة؛ خداوند ایمان را برای پاک‌ساختن شما از شرک و نماز را برای دورساختن شما از کبر... و امر به معروف و نهی از منکر را برای مصلحت جامعه قرار داد» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۱/۹۹).

ب) امام صادق (ع)، در جواب سؤال درباره اینکه امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه عموم مردم است یا خیر؛ می‌فرمایند: «... إِنَّمَا هُوَ عَلَى الْقَوَى الْمُطَاعِ الْعَالَمِ بِالْمَعْرُوفِ مِنَ الْمُنْكَرِ» (حلی، ۱۴۱۴: ۴۴۳/۹). «إِنَّمَا» از ادات حصر است و معنای آن این است که مسئولیت «امر به معروف و نهی از منکر»، در بخشی از مراحل آن به عهده حاکمان و عالمان صاحب قدرت می‌باشد (اعرافی، ۱۳۹۹ ش: ۴۸۸).

- اجماع

در کنار آیات و روایات برای وجوب «امر به معروف و نهی از منکر»، می‌توان دلیل دیگری مبنی بر اجماع فقها به هر دو نوع آن، یعنی اجماع محصّل و اجماع منقول اقامه کرد. برای نمونه محقق حلی، شهید اول و شهید ثانی این گونه بیان می‌کنند: «الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر واجب إجماعاً» (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۳۱۰/۱؛ عاملی، ۱۴۱۴ق: ۶۰؛ عاملی جُبعی، ۱۴۱۴ق: ۶۰). صاحب جواهر نیز، معتقد است در کنار آیات و روایات، اجماع یکی دیگر از ادله وجوب «امر به معروف و نهی از منکر» است (نجفی، ۱۳۶۲: ۲۱/۳۵۸). نزد اهل سنت نیز، این مسئله مورد اجماع است (حنبل، ۱۴۲۱: ۱۷/۱۲۸).

تطبیق دلیل بر مسئولیت حکومت در جلوگیری از حرام

«امر به معروف و نهی از منکر»، ضامن بقای اسلام و به اصطلاح علّت مُبْقِیّه است که انجام

آن بر عموم مسلمین و حاکمان واجب است. فریضه‌ای که ضامن سلامت جامعه و رعایت ارزش‌ها است (موسوی جشنی و دیگران، ۱۴۰۲: ۸۹). اگرچه انجام این وظیفه، واجب کفایی است، لیکن با توجه به اینکه حکومت صاحب قدرت و تمکن است و توان اجرای این فریضه برای حاکمان بیشتر است، بهترین و کاملترین مخاطب وجوب این فریضه، حکومت است؛ ضمن اینکه در برخی شرایط، این فریضه برای حکومت واجب عینی بالعرض می‌شود؛ بر این اساس وقتی برای جلوگیری از فتنه و فساد، برخورد فیزیکی و اعمال قدرت تنها وظیفه حکومت است نه عموم مردم (مفید، ۱۴۱۳ق: ۸۰۹). علاوه بر این، مستفاد از آیات و روایات این است که «امر به معروف و نهی از منکر»، تنها موعظه و نصیحت در برابر خلافت‌کار نیست؛ بلکه مأموریتی از موضع قدرت است؛ چراکه بدون داشتن قدرت از منکرات نمی‌توان جلوگیری کرد (جاوید و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۰۱). بدون شک انجام صحیح این فریضه توسط حکومت، یکی از عوامل اساسی در جلوگیری و پیشگیری از وقوع محرمات در اجتماع خواهد بود و ترک این فریضه اجتماعی کارآمد، عامل اضمحلال و انحطاط جامعه خواهد شد.

۳. وجوب حفظ نظام اجتماعی (حرمت اختلال نظام)

سومین دلیل بر اثبات وظیفه مندی حکومت در جلوگیری از وقوع حرام اجتماعی، قاعده «حرمت اخلال به نظام» یا به تعبیر دیگر «وجوب حفظ نظام اجتماعی» است. در فقه عنوان «حفظ نظام» در دو معنا استعمال شده است؛ گاهی منظور از آن نگهداری و حفظ حکومت اسلامی است؛ عنوان «حفظ بیضه اسلام» در کلام فقها می‌تواند ناظر به آن شمرده شود (خویی، ۱۴۱۱ق: ۱۷۱). گاهی نیز، مراد از آن حفظ نظم در جامعه اسلامی است. «حفظ نظام» به این معنی «در برابر از هم گسیختگی و هرج و مرج» است (کلانتری، ۱۳۷۶: ۲۱۸). غالباً در فقه زمانی که از «حفظ نظام» بحث می‌شود مقصود حفظ نظام اجتماعی است که از واجبات مورد تأکید شرایع الهی است. برخی فقها نیز، با استناد به این قاعده به حاکم اسلامی اجازه می‌دهند تا کسانی را که با ارتکاب محرمات به مخالفت با نظام می‌پردازند، مجازات نمایند (خوئی، بی تا: ۴۱/ ۴۰۸).

۱-۳. مستندات وجوب حفظ نظام اجتماعی

برخی از مستندات این اصل در دو بخش بررسی می‌شود:

- روایات

روایاتی که برای حجیت حفظ نظام مورد استناد قرار گرفته، به شرح زیر است:

(الف) روایتی نسبتاً طولانی از امام رضا (ع) که شیخ صدوق در علل الشرائع ذکر کرده است (ابن بابویه، ۱۹۶۶م، ج ۱: ۲۵۳). در این روایت، به فساد و تباهی نکشیدن امور مردم، یکی از دلایل اطاعت از حاکم و حکومت برشمرده شده است. «لَوْ لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ لَكَانَ أَحَدٌ لَا يَتْرُكُ لَذَّتَهُ وَ مَنَفَعَتَهُ لِفَسَادٍ غَيْرِهِ» این فساد، منجر به اختلال در نظام اجتماعی می‌شود. همچنین با توجه به جمله «وَلَا قَوَامَ لَهُمْ إِلَّا بِهِ» می‌توان نتیجه گرفت که یکی از وظایف حکومت، حفظ قوام و نظام جامعه است.

(ب) حضرت علی (ع) طبق نقل می‌فرمایند: «أَسَدُ حُطُومٍ خَيْرٌ مِنْ سُلْطَانِ ظُلُومٍ وَ سُلْطَانِ ظُلُومٍ خَيْرٌ مِنْ فَتْنَةٍ تَدُومُ؛ شِيرُ خَشْمَكَيْنِ، بَهْتَرُ مِنْ سُلْطَانِ سَتْمَكِرٍ وَ سُلْطَانِ سَتْمَكِرٍ، بَهْتَرُ مِنْ فَتْنَةٍ دَائِمَةٍ» است (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق: ۶/۳۲۲). طبق این روایت، بدون نظم همه شئونات جامعه اسلامی مختل شده و زندگی اجتماعی انسان دچار بُن بست می‌شود. به همین سبب، «حفظ نظام» واجب است و وجود یک نظام فاسد، بهتر از فقدان آن است.

- عقل

عقل هر انسانی، وجود نظم را در جامعه تحسین نموده و هرج و مرج در اجتماع و شیوع فحشاء و منکرات را تقبیح می‌کند. بنابر اظهر در کلام فقها، این قاعده یک قانون عقلی است و نیاز به دلیل نقلی ندارد؛ اگرچه برای آن مؤیدات شرعی هم، وجود دارد. به حکم عقل، حفظ نظام اجتماعی، به روشنی واجب است و اختلال در نظم عمومی جامعه، مذموم است (سلیمانی و سلیمانی، ۱۳۹۴: ۸۹). به نظر می‌رسد از میان تعبیر «حرمت اخلال به نظام» و «وجوب حفظ نظام» اولی به عنوان حکم عقلی باشد؛ با این توضیح که عقل هر چیزی را که باعث از هم پاشیدن نظم اجتماعی و پدیدارشدن هرج و مرج در جامعه شود، قبیح و ناپسند می‌داند. بنابراین، حفظ نظام یک امر مورد حکم عقل است، یعنی تحسین عقلی قطعی دارد و

اختلال نظام اجتماعی تقبیح عقلی قطعی دارد.

تطبیق دلیل بر مسئولیت حکومت در جلوگیری از حرام

حفظ نظام زندگی و جلوگیری از اختلال در حیات اجتماعی را می‌توان، یکی از دلایل وظیفه‌مندی حکومت در جلوگیری از محرمات قلمداد کرد؛ زیرا علاوه بر اینکه ممانعت و جلوگیری از هرگونه هرج و مرج و بی‌نظمی، به عنوان یکی از اهداف اصلی فقه محسوب می‌شود (امیدی فرد و باقی زاده، ۱۳۹۱: ۵۸). عقول آدمی نیز، وجود نظم را در اجتماع تحسین و شیوع فحشاء و منکرات را تقبیح می‌کند. بر پایه قاعده «حفظ نظام»، حکومت دینی موظف است از وقوع و شیوع محرماتی که تأثیر زیادی بر اخلال مبانی اسلام دارد، جلوگیری نماید. منظور از «اخلال به مبانی اسلام» هر کاری است که باعث هتک حرمت به اصول و مقدسات اسلام می‌گردد (علیزاده و صالحی، ۱۳۹۶: ۱۳۹).

از آنجایی که ارتکاب محرمات اجتماعی، نقش مهمی در مختل شدن نظم دارند، لازم است حکومت مانع وقوع محرمات و منکراتی شود که از یک سو، مقدمه ایجاد اختلال در نظم هستند و از سویی باعث بروز هرج و مرج و از هم گسیختگی در جامعه دینی می‌گردند.

۶. روش‌ها و راهکارها

پس از بیان ادله‌ای که بیانگر مسئولیت حکومت در جلوگیری از محرمات اجتماعی بود، در این قسمت، راهکارهای ایجابی و سلبی که حکومت از آنها در راستای جلوگیری و پیشگیری از محرمات استفاده می‌نماید بررسی می‌شود.

۱. ترویج و تعمیق اعتقادات و باورهای دینی

مجموعه معارف اسلامی، سه بخش اصلی دارد؛ بخش اول: اصول اعتقادی و عقاید، بخش دوم: اخلاقیات و بخش سوم: فقه و احکام عملی. بر این اساس، دین مجموعه‌ای به هم پیوسته است که بین اجزاء آن انسجام ذاتی برقرار است و بر هر انسان مسلمان و دین‌داری واجب است که به اندازه توان خود از اصول کلی دین آگاهی پیدا کند (مظاهری، ۱۳۹۰: ۱۳ و ۱۴). در این میان، «اعتقادات» از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ چراکه اگر در جامعه دینی، اعتقادات و

باورهای مردم به طرز صحیحی شکل بگیرد، تحقق دو بخش دیگر، کامل تر و روان تر است. قرآن کریم می فرماید: «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ»؛ کلمه (توحید) به سوی خدا بالا رود و کردار شایسته آن را بالا می برد» (فاطر/ ۱۰). امام رضا (علیه السلام) در تفسیر این آیه می فرماید: منظور از کلمه «طیب»، بیان اعتقادات اسلامی ذیل: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيُّ وَلِيُّ اللَّهِ وَ خَلِيفَةُ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ حَقًّا وَ خُلَفَاؤُهُ خُلَفَاءُ اللَّهِ» است و منظور از عمل صالح، این است که انسان در قلب خود بداند و معتقد باشد که این عمل و کردارش، مطابق قول و گفتارش صحیح و درست است. این کلام نشان می دهد که مقصود معنای ظاهری «طیب»، نیست؛ بلکه معنای واقعی آن توحید و اساس اعتقادات است. بر این اساس حکومت دینی نیز، در برابر افزایش اعتقادات و باورهای مردم مسئولیت ویژه ای دارد و نباید نسبت به این مسئله کوتاهی کند. حاکمان و کسانی که در حکومت، مسئولیت سیاست گذاری دارند باید در راستای وظایف دینی خود به گونه ای عمل کنند که با گسترش باورهای دینی، زمینه کاهش محرمات را در جامعه فراهم نمایند.

۲. اهتمام به تربیت دینی

در هر انسانی استعداد و قابلیت های کمال و تعالی نهفته شده که تربیت این استعدادها، می تواند شخص را در ایمان و اخلاق به اوج کمال برساند و او را از پلیدی و ناپاکی حفظ کند. فراگیرترین واژه ای که در ادبیات قرآنی در مورد «تربیت» آمده، واژه «تزکیه» است. «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ». (جمعه/ ۲) واژه تزکیه در آیه شریفه از ماده «زکات» و به معنای نمو و افزایش و پاکیزگی از آلودگی و کثافات است. در سیره معصومین نیز، توجه به تربیت از وظایف و شئون اولیه شمرده می شود. حضرت علی (ع)، در عهد خود به مالک اشتر چنین می نویسد که: «... وَ جِهَادَ عَدُوِّهَا وَ إِنْصِلَاحَ أَهْلِهَا وَ عِمَارَةَ بِلَادِهَا» برخی واژه «صلاح» در کلام حضرت را به تربیت دینی تفسیر کرده اند و آن هر کاری است که موجب کمال و سلامت مردم می شود (اعراف، ۱۳۹۹: ۲۶/ ۲۱۷ و ۲۱۶) واژه «اهل» نیز، به جهت اطلاق خویش، بیانگر این است که حاکم موظف است تمام افراد تحت حکومتش را، به سمت صلاح و سعادت رهنمون سازد. با توجه به آیات و

روایات بسیاری که در این زمینه وجود دارد، اگر اهمیت «تربیت دینی» مورد توجه حاکمان قرار بگیرد، موجب می‌شود تا انسان‌ها با الهام از فطرت خویش بارقه تعالی بخش دین را کشف نمایند. امام خمینی (ره) می‌فرماید: اگر مردم را به یک تربیت سالم دعوت کنید... کشور شما سالم می‌ماند (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۹: ۳۵۷). فرد تربیت یافته بنابر توصیه آموزه‌های روایی نه تنها باید در حوزه فردی و در خلوت خود عامل به تقوا باشد «اتقوا معاصی الله فی الخلوات، فَإِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ» (شریف رضی، بی تا: ۵۳۲)، که باید در حوزه مسائل اجتماعی و مربوط به حکومت نیز، حق حاکم (حکومت) را از بزرگترین واجبات دانسته «وَأَعْظَمُ مَا افْتَرَضَ سُبْحَانَهُ مِنْ تِلْكَ الْحُقُوقِ حَقُّ الْوَالِي عَلَى الرِّعِيَّةِ» (همان: ۳۳۳) و خود را ملزم به اطاعت از فرامین او بداند (همان: ۷۹).

۳. شناسایی علل و عوامل بروز محرمات

با جستجو در منابع دینی، نظریه‌های متعددی در مورد رویکرد مبارزه با منکرات و حفظ مردم از آلودگی‌ها قابل توجه است. برای نمونه کلام حضرت علی (ع) در اهمیت آموزش مسائل دینی «أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا... تعلیمکم کی لا تجهلوا» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۲/ ۱۹۰ و ۱۸۹) یا اهمیت سبک زندگی اسلامی و فراهم کردن محیط مناسب برای رشد و تکامل معنوی بیان شده است (قربانی، ۱۳۹۰: ۱۱۹) اما تأمل در این نظریه‌ها مستلزم بررسی عواملی است که جامعه را با زشتی‌ها و گناهان آلوده می‌کند. اگر عوامل گسترش و شیوع محرمات بطور کامل و دقیق، شناخته و ریشه کن شود، علاوه بر کاهش محرمات، نیاز به استفاده از عوامل سخت به حداقل می‌رسد. به عنوان مثال، گاهی عامل برخی از گناهان مثل سرقت، نیاز اقتصادی است یا ریشه برخی جرایم و درگیری‌های خیابانی مسائل اجتماعی مانند بیکاری و فقر است؛ در این صورت، اگر حاکمان بخواهند با انحرافات ناشی از این عوامل برخورد کنند، باید به ریشه‌های آن بپردازند. شناسایی علل و عوامل بروز محرمات باعث می‌شود توجه حاکمان به ریشه مشکلات معطوف شود، ضمن اینکه امکان پیشگیری از وقوع محرمات نیز، به صورت معقول فراهم می‌گردد.

در جوامع دینی، عوامل متعددی در بروز محرمات نقش دارند؛ یکی از این عوامل، فقدان عدالت اجتماعی است؛ اگرچه برخی عدالت اجتماعی را محدود به جنبه اقتصادی می‌دانند؛ ولی به نظر می‌رسد عدالت اجتماعی همه مظاهر حیات را در بر می‌گیرد. (قطب، ۱۴۱۳ق: ۲۶) اگر مردم لذت عدالت اجتماعی را احساس نکنند، ممکن است به همان اندازه نسبت به رعایت احکام الهی بی تفاوت باشند. در واقع می‌توان بین عدالت اجتماعی و عمل به احکام الهی ارتباط تنگاتنگی قائل بود و یکی از عوامل بروز محرمات و مفساد اجتماعی را فقدان اصل عدالت در تمام ارکان آن دانست؛ از این رو پیامبر (ص) برای اصلاح جامعه، مسلمانان را سفارش به مبارزه با مفساد اجتماعی مانند تبعیض، بی عدالتی، رانت خواری و... می‌کردند. «إن الناس إذا رأوا الظالم فلم يأخذوا على يديه أوشك أن يعمهم الله بعقاب من عنده» (سعد، بی تا: ۴۵).

۴. جرم‌انگاری محرمات

یکی از مؤثرترین اقدامات در راستای پیشگیری و جلوگیری از محرمات اجتماعی، «جرم‌انگاری» مفسداتی است که هنجارها و ارزش‌های واقعی جامعه را تهدید می‌نماید. «جرم‌انگاری»، فرآیندی است که در آن قانونگذار می‌تواند در جهت حفظ ارزش‌های دینی، انجام برخی از رفتارها را ممنوع نماید؛ به طوری که این امتناع، ضمانت اجرایی داشته باشد. اگرچه از منظر حقوقی، به هر عملی که برای آن مجازات تعیین شده باشد «جرم» اطلاق می‌شود (دانش پژوه و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۳۱) اما در کتب لغت، اغلب جرم و گناه مترادف یکدیگرند و مجرم همان گنهکار است (فراهیدی، ۱۴۰۸: ۱۱۹/۶). اغلب فقهای امامیه نیز، بر مبنای قاعده «التعزیر لكل عمل حرام» ترک واجبات و انجام محرمات را جرم و گناهی می‌دانند که مستلزم مجازات می‌باشد (خوئی، بی تا: ۳۳۷). با این توصیف، تعریفی که در فقه برای «جرم» آمده، تعریفی عام است که قابل تسری بر «گناه» می‌باشد؛ چراکه، وجه مشترک جرم و گناه، سرپیچی و نافرمانی دستورات الهی است که نتیجه آن، استحقاق مجازات برای مجرم و گنهکار است (منفرد، ۱۳۹۶: ۱۳). بطور کلی، هدف از جرم‌انگاری و به تبع آن مجازات در اسلام، اصلاح

جامعه و عدم تکرار جرم توسط مجرمین است، در واقع افعالی که جرم شناخته می‌شوند، برای ارزش‌های جامعه مضر محسوب می‌شوند. از طرفی، امر ونهی هم به تنهایی کفایت نمی‌کند؛ چراکه در هر جامعه ای افرادی هستند که ایابی از انجام جرم و گناه ندارند، لاجرم یکی از راه‌های منع این دسته از افراد، وضع مجازات‌هایی است که برای این دسته از انسان‌ها موجب تصحیح عمل شر آنها می‌شود (هامپتن، ۱۳۸۴: ۱۷۸).

۵. اجرای حدود و تعزیرات

خداوند انسان را موجودی اجتماعی آفریده که برای رفع نیازهای خود مجبور است به برخی از محدودیت‌ها تن دهد و به حد و حدود خود اکتفا کند. در اسلام برای افرادی که حدود الهی را رعایت نمی‌کنند، کیفرهایی پیش بینی شده که در اصطلاح فقهی، به این کیفرها «حدود و تعزیرات» گفته می‌شود. «حدود و تعزیرات»، کیفرهایی هستند که برای تنبیه مجرمان و گنهکاران وضع شده اند تا در اثر اجرای آن، آرامش و نظم در جامعه برقرار شود.

در اصطلاح فقهی «حد»، مجازاتی است که میزان آن در شرع تعیین شده است؛ برخلاف تعزیر که مقدار معینی برای آن ذکر نشده است (عاملی، بی تا، ج ۱۴: ۳۲۶). «حدود و تعزیرات» در واقع مجازات‌هایی هستند که در اسلام برای متخلفین از قانون به صورت معین یا غیر معین در نظر گرفته شده و منظور از حد معین، کیفری است که در اسلام مشخص شده مانند: قصاص قاتل، قطع دست سارق، حد زنا و امثال آن و مُراد از حد غیر معین «تعزیر» است که تأدیب متخلف به اختیار و تشخیص قاضی است و طبق نظر او قابل کم و زیاد است. در روایات، برکت اجرای یک حد از حدود از باران وسیعی که همه جا را سرسبز نماید، افزون شمرده شده است. (المنذری، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۱۷۲). شاید نکته تشبیه «حدود و تعزیرات» به باران این است که همانطور که باران نشانه رحمت خداوندی است، حدود نیز، نوعی رحمت الهی است که همچون باران جامعه را شستشو می‌دهد و آلودگی‌ها را از اجتماع پاک می‌کند. اگر حدود الهی به طرز صحیح و کامل در جامعه اجرا گردد، شخص خطاکار کمتر به فکر انجام دوباره خطای خود می‌افتد و آسیب‌های گناه بر آبرو و حیثیت خود را از نزدیک احساس

می‌کند و تصمیم می‌گیرد مرتکب جرم نشود و خود را اصلاح نماید. اجرای حدود و تعزیرات، علاوه بر برکات معنوی که دارد حقیقتاً رحمت است؛ هم برای شخصی که حدّ بر او جاری می‌شود؛ چون موجب می‌شود کمتر گناه را تکرار کند و هم برای کسانی که زمینه فساد در آنهاست، عامل پیش‌گیری است. امروزه تحت عباراتی مانند «کل ما لم یرد فیه حد من الشرع من المعاصی فیه التعزیر» (حسینی، ۱۴۱۸: ۲/۶۲۷) و «التعزیر فی کل معصیة» (فاضل مقداد، ۱۴۰۴: ۴/۳۶۵) از قاعده تعزیر، برای برخورد با گناهانی همچون بی‌حجابی نیز، می‌توان استفاده کرد. در کشور ما نیز، قانون‌گذار تحت عنوان قانون «حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب» که در ۷۴ ماده تنظیم شده، دستگاه‌های مختلفی از جمله وزارت ارشاد، صدا و سیما و آموزش و پرورش را مکلف به فرهنگ‌سازی در این حوزه نموده است. هدف این قانون، مقابله با عاملین اصلی شیوع بدپوششی و برهنگی است لذا طبق ماده ۲۸ این قانون پلیس علاوه بر شناسایی کانون‌های عمومی آسیب‌زا، افراد خاطی را به قوه قضائیه معرفی می‌کند. همچنین در ماده ۵۰ قانون حجاب آمده که هر شخصی در انظار عمومی اعم از فضای حقیقی و مجازی کشف حجاب کند، در مرتبه اول معادل دوسوم حداکثر جزای نقدی درجه هشت جریمه می‌شود. این جریمه در صورت عدم تکرار، برای سه سال معلق می‌ماند؛ ولی در صورت تکرار بی‌حجابی، جریمه قبلی و جریمه جدید باید با هم پرداخت شود.

۷. نتیجه‌گیری

حکومت دینی مرجعیت همه جانبه دین را در عرصه‌های مختلف اداره‌ی جامعه، پذیرفته است. حکومت دینی، نظامی دین‌مدار است که حاکمیت آن براساس قانون الهی است. این نظام، خود را موظف می‌داند که در تمام مراحل حکومتی، دستورات دینی را در نظر بگیرد و احکام خدا را به طور کامل رعایت کند. شارع مقدس نیز، بر حکومت اسلامی تکلیف کرده که مانع از رواج حرام الهی در جامعه شود؛ چراکه محرمات موضوعی اجتماعی و حق الهی است و نه فردی. درخصوص تکالیف حکومت دینی بر جلوگیری از محرمات به ادله مختلفی در فقه

امامیه و اهل سنت تمسک شد که این ادله، غالباً مفید الزام بود. براساس آنچه از مبانی فقهی در مقاله ذکر گردید، حکومت مکلف است نسبت به جلوگیری از حرام در جامعه نقش آفرینی کند. اولاً: براساس ادله قرآنی و روایی، حکومت موظف است در راستای حفظ دین و جلوگیری از انحراف آن، اقدامات لازم را به عمل آورد. هرچند اغلب آیات و روایات مربوط به ولایت معصومین می باشد، اما تعمیم مفاد آیات و روایات از معصومین به غیر معصوم از دو راه ممکن است؛ اولاً: براساس نصوص وارده در زمان غیبت، ولایت ولی فقیه در استمرار ولایت امام معصوم می باشد. ثانیاً: از اختیاراتی که در امور حسبه برای فقیه ثابت شده، می توان از باب تنقیح مناط و الغای خصوصیت اختیارات حکومتی معصوم را برای فقیه ثابت نمود.

ثانیاً: براساس فلسفه جعل امر به معروف و نهی از منکر که جلوگیری از اشاعه منکر است، حکومت موظف است از وقوع منکرات و ناهنجاری های اجتماعی جلوگیری نماید. ثالثاً: بر مبنای قاعده وجوب حفظ نظام اجتماعی، حکومت موظف است با منکرات موجب اخلال در نظام اجتماعی برخورد نماید؛ چراکه حفظ نظام اجتماعی حفظ همه ارزش هایی است که نظام اجتماعی خودش را متعهد به آنها می داند.

در خصوص چگونگی انجام این وظیفه مشخص گردید که اسلام ابتدا راهکارهای پیشگیری در حوزه تربیتی و فرهنگی همچون «تعمیق اعتقادات»، «تربیت دینی»، «شناسایی عوامل حرام» و سپس راهکارهای درمانی و سلبی مانند «اجرای حدود و تعزیرات» را، پیش بینی کرده است؛ البته اجرای صحیح این روشها علاوه بر اراده و همت مسئولان، نیازمند برنامه ریزی، قانون گذاری صحیح و توجه به نهادها و سازمان های حیاتی مانند مدارس و دانشگاه ها است که پرداختن به این مسائل از ظرفیت کمی این مقاله خارج است. اما نکته مهمی که مسئولان باید توجه داشته باشند این است که تا مسائل مهمی همچون گسترش عدالت اجتماعی، کاهش فقر، نظارت بر بسترهای انحراف، همچون فضای مجازی و به کارگیری کارگزاران با تقوا توسط حکومت به درستی اجرا نشود، امکان عملیاتی شدن و بهره برداری مطلوب از این راهکارها، وجود نخواهد داشت.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغة، قم، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، نجف، المکتبه الحیدریه، ۱۹۶۶م.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۵. اعرافی، علیرضا، فقه امر به معروف و نهی از منکر، قم، مؤسسه اشراق و عرفان، ۱۳۹۹ش.
۶. اعرافی، علیرضا، فقه تربیتی، قم، مؤسسه اشراق و عرفان، ۱۳۹۹ش.
۷. انصاری، مرتضی، فرائد الاصول، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۹ق.
۸. المنذری، عبد العظیم، الترغیب والترهیب، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.
۹. امید فرد، عبدالله؛ باقی زاده، محمدجواد، «دلیل عقلی قاعده منع اختلال نظام»، پژوهش‌های اخلاقی، سال ۲، شماره ۴، ۱۳۹۱ش.
۱۰. بسیج، احمد رضا، «آسیب شناسی عدم اجرای اصل هشتم قانون اساسی»، معرفت، سال ۱۷، شماره ۱۳۱، ۱۳۸۷ش.
۱۱. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، مصر، شرکت مکتبه و مطبعة مصطفى البابي الحلبي، ۱۳۹۵ق.
۱۲. جاوید، محمدجواد؛ صادقی، محمد؛ شفیع زاده خولنجانی، مصطفی، «نسبت تکالیف طبیعی و تکالیف شهروندی»، دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۵۹، ۱۳۹۱ش.
۱۳. حسینی، عبدالفتاح، العناوین الفقهیه، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۸ق.
۱۴. حلی، نجم الدین، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
۱۵. حلی، حسن بن یوسف، تذکرة الفقهاء، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۴ق.
۱۶. حنبل، احمد بن محمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، بی جا، مؤسسه الرسالة، ۱۴۲۱ق.
۱۷. خوئی، ابوالقاسم، مبانی تکملة المنهاج، نجف، مطبعة الآداب، بی تا.
۱۸. خوئی، ابوالقاسم، مبانی تکملة المنهاج، بی جا، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، بی تا.

۱۹. دانش پژوه، وهاب؛ مهریزی، مهدی؛ محمودی جانکی، فیروز، «جرم انگاری قرآن و عقلانیت»، مبانی فقهی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، سال ۹، شماره ۱۷، ۱۳۹۵ ش.
۲۰. روحی، مهدی؛ بهروزی لک، غلامرضا، «ظرفیت شناسی حاکمیت فقیه در اندیشه سیاسی اهل سنت»، اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۱۶، ۱۳۹۷ ش.
۲۱. زبیدی، مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
۲۲. زحیلی، وهبة، التفسیر المنیر فی العقيدة والشریعة والمنهج، دمشق، دار الفکر المعاصر، ۱۴۱۸ ق.
۲۳. سبزواری، عبدالاعلی، مذهب الاحکام فی بیان حلال و الحرام، قم، دار التفسیر، بی تا.
۲۴. سلیمانی، مرتضی؛ سلیمانی، یاسر، «تبیین و بررسی فقهی تجسس در فعالیتهای اطلاعاتی - امنیتی»، فصلنامه فقه، حوزه علمیه، سال ۲۲، شماره ۲، ۱۳۹۴ ش.
۲۵. سعد، محمود توفیق محمد، فقه تغییر المنکر، بی جا، کتاب منشور علی موقع وزارة الأوقاف السعودية، بی تا.
۲۶. شاطبی، ابراهیم بن موسی، الموافقات، بی جا، نشر دار ابن عفان، ۱۴۱۷ ق.
۲۷. شیرازی زنجانی، موسی، کتاب نکاح، قم، مؤسسه پژوهشی رأی پرداز، ۱۴۱۹ ق.
۲۸. شحاتة، صقر، شریعة الله لا شریعة البشر، مصر، دار الخلفاء الراشدين، بی تا.
۲۹. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، (محقق: صبحی الصالح)، بیروت، دارالکتاب اللبنانی، بی تا.
۳۰. طبرسی، أبو منصور، الاحتجاج، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۳۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ ق.
۳۲. طریقی، عبدالله بن ابراهیم، «البحوث من قواعد النظام السیاسی فی الاسلام طاعة أولی الأمر»، جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامی، شماره ۷، ۱۴۱۳ ق.
۳۳. طوسی، محمد بن حسن، المبسوط، تهران، المكتبة المرتضوية، ۱۳۸۷ ش.

۳۴. عاملی جُبعی، زین الدین بن علی، *حاشیه الإرشاد*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۱۴ق.
۳۵. عاملی، زین الدین بن علی، *مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام*، بی جا، مؤسسة المعارف الإسلامية، بی تا.
۳۶. عاملی، محمدبن مکی، *القواعد و الفوائد*، قم، کتابفروشی مفید، بی تا.
۳۷. عاملی، محمدبن مکی، *غایة المراد فی شرح نکت الإرشاد*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۱۴ق.
۳۸. عباسی، آوات، «مبانی تأسیس سیاست و گذار به جامعه سیاسی از دیدگاه امام خمینی»، اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۶، ۱۳۹۴ش.
۳۹. عزیززاده، عبدالرضا؛ صالحی، ریحانه، «آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها در پرتو اصل ۲۷ قانون اساسی ایران»، فصلنامه علمی پژوهشی حقوق اسلامی، شماره ۵۲، ۱۳۹۶ش.
۴۰. فاضل مقداد، جمال الدین، *التنقيح الرائع لمختصر الشرائع*، قم، کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۴۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، بیروت، منشورات مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ق.
۴۲. فیض کاشانی، محسن، *الشافی فی العقائد والأخلاق والأحكام*، تهران، لوح محفوظ، ۱۳۸۳ش.
۴۳. قرطبی، شمس الدین، *تفسیر القرطبی*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
۴۴. قربانی، مهدی، «تحلیل مفهوم دموکراسی غربی و مردم سالاری دینی»، مجله معرفت، سال ۲۰، شماره ۱۶۸، ۱۳۹۰ش.
۴۵. قزوینی، احمدبن فارس، *معجم مقاییس اللغة*، قم، منشورات مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۴۶. قطب، سید، *العدالة الاجتماعية فی الاسلام*، مصر، انتشارات دارالشروق، ۱۴۱۳ق.
۴۷. کعبی، عباس، «تطبیق نظام حقوقی اسلام و حقوق وضعی معاصر»، مجله فقه اهل بیت، سال ۱۰، شماره ۳۷، ۱۳۸۳ش.
۴۸. کلانتری، علی اکبر، «فقه و مصلحت نظام»، فقه، شماره ۱۱ و ۱۲، ۱۳۷۶ش.
۴۹. کلینی، محمدبن یعقوب، *الکافی*، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۵۰. مجلسی، محمدباقر، *حدود و قصاص و دیات*، قم، مؤسسه نشر آثار اسلامی، بی تا.

۵۱. مجلسی، محمدباقر، *مرآة العقول*، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۱۰ق.
۵۲. محقق حلی، جعفر بن حسن، *شرائع الاسلام*، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
۵۳. مروارید، علی اصغر، *سلسلة النبايع الفقهية*، بیروت، الدار الاسلامیة، ۱۴۱۰ق.
۵۴. مصباح، محمدتقی، *ایدئولوژی تطبیقی*، قم، مؤسسه در راه حق، ۱۳۶۱ش.
۵۵. مظاهری، حسین، *عصاره دین*، اصفهان، مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء علیها السلام، ۱۳۹۰ش.
۵۶. مفید، محمد بن محمد، *المقنعة*، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۵۷. منفرد، اکبر، *جایگاه یافته‌های جرم‌شناسی در آموزه‌های دینی*، تهران، انتشارات میراث فرهیختگان، ۱۳۹۶ش.
۵۸. موسویان، سیدمحمدرضا، «*اندیشه سیاسی فاضل مقداد*»، علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، سال ۶، شماره ۲۱، ۱۳۸۲ش.
۵۹. موسوی جشنی، سیدصدرالدین؛ بختیاری، علی اکبر؛ کشاورزشکری، عباس، «*الگوی مردم سالاری دینی به مثابه شیوه زیست مبتنی بر دیدگاه آیت الله خامنه‌ای*»، پژوهش‌های سیاست اسلامی، سال ۱۱، شماره ۲۳، ۱۴۰۲ش.
۶۰. موسوی خمینی، سیدروح الله، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸ش.
۶۱. نجفی جواهری، محمد حسن، *جواهر الکلام*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۳۶۲.
۶۲. هامپتن، جین، «*نظریه تعلیم اخلاقی مجازات*»، (مترجم: حمید محبوبی)، فقه و حقوق، سال ۲، شماره ۵، ۱۳۸۴ش.